

الاستخلاف سنة دائمة لم تختلف في الواقع: استخلاف (تعيين جانشين)، سنتى هميشگى است که در عالم خارج، از آن تخلف نشده است.

الله سبحانه هو مالك الأرض ومن عليها، وله الحاكمية المطلقة في ملکه. ولكن تنتقل الحاكمية في ملکه لغيره لابد من أن يستخلف شخصاً بعينه ويبدل عليه، فمن طفل ونصب نفسه أو غيره، يكون غاصباً لخلافة الله وظالماً ومعتدياً على ملك الله دون إدنه، ونحن نجد - سنة الله - أنه قد نصب فيما مضى قبل الرسول محمد (صلى الله عليه وآله) خلفاء له في أرضه، ونصب رسول الله محمداً (صلى الله عليه وآله)، وحتماً لم يترك الله الناس دون نصب خليفة لهم بعد رسول الله محمد (صلى الله عليه وآله)، كما نص سبحانه وتعالى: (وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّنْ رَّبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادِ) (الرعد: ١٧).

خدای سبحان مالک زمین و اهل آن است و در ملک خودش حاکمیت مطلق دارد و برای این که این حاکمیت در ملک او به دیگری منتقل شود، باید خود خداوند (مالک اصلی و حقیقی) فرد مشخصی را به عنوان خلیفه و جانشین تعیین کرده و به او رهنمود سازد؛ پس کسی که دخالت بی‌جا کرده و خودش یا دیگری را در حوزه مالکیت خداوند به عنوان رهبر برگزیند، غاصب خلافت الهی و ظالم و متتجاوز بر فرمانروایی و پادشاهی خداوند محسوب می‌شود. ما می‌بینیم که سنت خدا این بود که قبل از رسول الله محمد (ص) نیز خلفایی را در زمین خود برگزیده بود و رسول الله محمد (ص) را نیز برگزید و بدون شک، مردم را پس از رسول الله (ص) نیز بدون برگزیدن خلیفه‌ای رها نکرده است، همچنان که در قرآن کریم آمده

است: «وَ كَافِرَانِ مَنْ گُويندُ: چرا از سوی پروردگارش معجزه‌ای بر او نازل نشده؟ تو فقط بیم دهنده‌ای و برای هر قومی هدایت‌کننده‌ای است»^۱.

أما من يقول بـ*تَخْلُفُ السُّنَّةِ الْإِلَهِيَّةِ* بعد الرسول محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، فعليه نقض الاستدلال على أنَّ المَلَكَ اللَّهُ ولا يجوز ركوبه إِلَّا بِإِذْنِهِ وبنص تشخيصي، ثم الإتيان بالدليل القطعي على تخلُف السُّنَّةِ الْإِلَهِيَّةِ التي دامت طيلة مسيرة الدين الإلهي من آدم إلى محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ).

اما کسی که قائل به تخلُف سنت مستمر الهی، بعد از رسول الله (ص) است، باید این استدلال مبتنی بر این که «ملک و حکومت برای خداست و تصرف آن بدون اجازه او و نص تشخيصی اش، جایز نیست» را نقض کند. سپس باید دلیل قطعی بر تخلُف این سنت الهی که در طول مسیر دین الهی از آدم تا محمد (ص) ادامه داشته است بیاورد.

^۱ قرآن کریم، سوره رعد، آیه ۷.